

شمول‌پذیری «قاعده نفی حرج» نسبت به حرج جنسی و تأثیر آن بر درخواست طلاق قضایی

Inclusion of the "Rule of Denial of Sexual Hardship" and its Effect on the Request for Judicial Divorce

<https://dx.doi.org/10.52547/jfr.17.1.63>

S. Nazari Tavakkoli, Ph.D.

Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Tehran, Tehran, Iran

L. Bahrami, Ph.D. Student

Ph.D Student in Women's Studies (Women's Rights in Islam), Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

دکتر سعید نظری توکلی

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران

لیلا بهرامی ✉

گروه مطالعات زنان (حقوق زن در اسلام)، دانشگاه تربیت مدرس

دریافت مقاله: ۹۹/۴/۲۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۹/۱۲/۱۹

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۲/۱

Abstract

Background and Aim: Sexual productivity is one of the fundamental rights of spouses after marriage, which is emphasized in various religious teachings, and jurists have recognized it in the form of the right to cohabitation, the right to stimulation, the right to intercourse and the right to not be dismissed. The wife's confrontation with the husband's perversion, deviation, or sexual violence deprives her of this right,

چکیده

بهره‌وری جنسی از جمله حقوق بنیادین زن و شوهر پس از ازدواج است که تأمین آن در آموزه‌های مختلف دینی مورد تأکید قرار گرفته و فقها نیز آن را در قالب حق هم‌خوایگی، حق تحریک، حق آمیزش و حق عدم عزل به رسمیت شناخته‌اند. رویارویی زوجه با کژکاری، انحراف یا خشونت جنسی زوج، سبب محرومیت او از این حق شده، در بلندمدت وی را در معرض وضعیتی قرار می‌دهد که تحمل ادامه زندگی مشترک را برای او دشوار می‌سازد.

✉ Corresponding author: Department of Women Studies, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares, University, Tehran, Iran.

Email: l.bahrami@modares.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران، جلال آل‌احمد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه مطالعات زنان.

پست الکترونیک: l.bahrami@modares.ac.ir

exposing her in the long run to a situation that makes it difficult for her to continue living together with her husband. In this study, we intend to answer the question of whether a wife can, considering her difficult situation in not her sexual needs being met, consider it as an example of spousal abuse and apply for a judicial divorce based on the rule of negation.

Materials and Methods: The present study was performed by descriptive-analytical method and with documents from library sources. In this study, first the concept of sexual embarrassment is explained and then, based on jurisprudential principles, the capacity of the rule of negation of Haraj to justify the lawsuit of judicial divorce is examined. **Results:** The present study shows that the realization of sexual rights in marital relations based on customary criteria is accepted by Muslim jurists. Although in most jurisprudential texts the title of embarrassment refers to physical affairs, the application of "embarrassment" and its various applications in various jurisprudential issues causes the rule of negation of embarrassment to include non-physical embarrassments, including sexual harassment. Therefore, after being in a state of sexual distress and the impossibility of correcting the couple's sexual behavior, the wife will be able to consider it as an example of the couple's social abuse, according to which she can apply for a judicial divorce.

Keywords: Embarrassment, Sexual Harassment, the Rule of Denial, Legal Divorce.

در این پژوهش بر آن هستیم تا به این پرسش پاسخ دهیم که آیا زوجه می‌تواند با استناد به وضعیت دشوار خود در عدم تأمین نیازهای جنسی‌اش آن را مصداق سوءمعاشرت زوج دانسته و با استناد به قاعده نفی حرج، متقاضی طلاق قضایی باشد. پژوهش حاضر با روش تحلیلی - توصیفی و با اسناد به منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. در این پژوهش ابتدا مفهوم حرج جنسی تبیین و سپس بر اساس مبانی فقهی، ظرفیت قاعده نفی حرج برای موجه‌سازی طرح دادخواست طلاق قضایی بررسی شده است.

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که احقاق حقوق جنسی در روابط زناشویی بر اساس معیارهای عرفی مورد پذیرش فقهای مسلمان است. هرچند در بیشتر متون فقهی عنوان حرج ناظر به امور جسمانی است، اما اطلاق «حرج» و کاربری‌های گوناگون آن در مسائل مختلف فقهی، سبب می‌شود تا قاعده نفی حرج، حرج‌های غیرجسمی از جمله حرج جنسی را دربر گیرد. از این رو، زوجه پس از قرار گرفتن در وضعیت حرج جنسی و عدم امکان اصلاح رفتار جنسی زوج، قادر خواهد بود آن را مصداق سوءمعاشرت زوج دانسته، بر اساس آن متقاضی طلاق قضایی باشد.

کلیدواژه‌ها: حرج، حرج جنسی، قاعده نفی حرج، طلاق قضایی.

مقدمه

انسان دارای مجموعه‌ای از نیازها و غرایز است که برآوردن آن‌ها موجب تعادل روانی و سبب رضایت‌مندی وی از زندگی شده و بی‌توجهی در ارضای کامل هر یک، مشکلات متعدد جسمی و روانی به دنبال دارد. اسلام تنها راه ارضای نیازهای جنسی را تشکیل خانواده (موقت یا دائم) دانسته، تأمین آن‌ها از دیگر روش‌ها را حرام

و گاه مستوجب مجازات به حساب آورده است. از این رو، یکی از اساسی‌ترین مطالبات زن و مرد پس از ازدواج، تأمین درست و کامل نیازهای جنسی است.

هرچند اهمیت‌یافتن خانواده در نظام حقوقی اسلام سبب شده تا قانون‌گذار با وضع قانون درصدد تقویت و جلوگیری از تضعیف این نهاد اجتماعی باشد (صفایی، ۱۳۹۲)؛ اما تحولات گسترده در مبانی انسان‌شناسی در مغرب‌زمین و ظهور اندیشه‌های فمینیستی از قرن بیستم به این سو، سبب شد تا حقوق زنان به عنوان یکی از مسائل حقوق بشری اهمیت زیادی پیدا کرده و حق کنترل و تصمیم‌گیری آزادانه و مسئولانه (چهارمین کنفرانس جهانی زنان، پکن، ۱۹۹۵؛ هفتمین گردهمایی بهداشت جهانی، ۲۰۰۴؛ منشور حقوق باروری و جنسی، ۱۹۹۶) و همچنین مبارزه با خشونت علیه زنان^۱ توسط سازمان ملل در قالب یک اعلامیه جهانی مورد تأکید قرار گیرد (۱۹۹۳). خشونت جنسی زناشویی یکی از موارد خشونت علیه زنان است که می‌تواند به صورت تحقیر، صدمه‌رساندن، ارضا از طریق همسرآزاری، انحرافات جنسی از جمله تمایل شدید به آمیزش مقعدی، لذت‌جویی از تصاویر مستهجن، خشونت در هنگام آمیزش و بهره‌کشی جنسی از همسر آشکار شود (گودرزی، ۱۳۹۵). در این راستا، بی‌توجهی به خواست و تمایلات جنسی زنان نیز اهمیت پیدا کرده، زمینه دلزدگی، ضعف و بحران در زندگی زناشویی را فراهم می‌کند.

از نظر سازمان بهداشت جهانی^۲، سلامت جنسی نتیجه هماهنگی احساس، ذهن و جسم انسان است که سبب تکامل شخصیت، ارتباط و عشق می‌شود و هرگونه اختلال در آن، ناهماهنگی و نارضایتی جنسی را در پی دارد و به همین دلیل، رسیدن به سلامت جنسی، وابسته به حفظ کردن، محترم‌شمردن و اجرای حقوق جنسی تمام افراد است (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۲). بر این اساس، نبود بیماری یا ناتوانی و اختلال، سلامت جنسی را ایجاد نمی‌کند و حفظ هم‌زمان وضعیت روانی، ذهنی و جسمی ضروری است. در دستیابی به رضایت جنسی، رویکردهای متفاوتی وجود دارد؛ هم‌چون رویکرد روانی، رویکرد اجتماعی و رویکرد زیستی که بر اساس آن، اثربخشی هر سه بُعد روانی، ذهنی و جسمی بر یکدیگر در رضایت‌مندی جنسی مهم به حساب می‌آید (روسی، ۱۹۹۴) و می‌تواند زندگی فردی را تحت تأثیر خود قرار دهد. سلامت یا اختلال در روابط جنسی زن و شوهر، بر عملکرد فردی و اجتماعی آن‌ها اثربخش بوده و می‌تواند در ایجاد حس کامیابی و نشاط نقش مهمی ایفا کند. از نظر فردی، ناکامی جنسی در زنان، افزون بر ایجاد حس ناخوشایند جسمی (هم‌چون درد) و آزرده‌گی‌های جسمی (هم‌چون سردرد، درد شکم)، منجر به سرخوردگی، غم، گریه، پرخاشگری و عدم علاقه به رابطه جنسی بعدی می‌شود و به سلامت روانی زن و شوهر نیز آسیب می‌رساند (نکولعل تک، ۱۳۹۸) و خانواده را در معرض فروپاشی و طلاق قرار می‌دهد (جودوین، ۲۰۱۸؛ شونفیلد، ۲۰۱۷). بنا به آمار سازمان ثبت احوال، نسبت طلاق به ازدواج در سال ۱۳۹۸، یک طلاق در برابر سه ازدواج است و بنا به پژوهش‌های موجود، «عدم رضایت از رابطه جنسی»، «مشارکت جنسی ضعیف»، «طرحواره‌های ناکارآمد» (محمد صادق، ۱۳۹۷)، «محرومیت جنسی»، «بی‌میلی جنسی» و «آزار جنسی زنان» از جمله عوامل مؤثر در ایجاد آن است (نعیمی، ۱۳۹۱). به سخن دیگر، روابط جنسی مطلوب ارتباط مستقیمی با رضایت زناشویی داشته، سبب کاهش تعارضات زن و شوهر می‌شود (معصومی، ۱۳۹۶). نارضایتی جنسی از نظر فرهنگی و اجتماعی، افزون بر طلاق، از یک سو، سبب افزایش جرائم، خیانت به همسر، احساس پوچی،

افسردگی و اضطراب، ناسازگاری و تجاوز جنسی می‌شود (کریمی، ۱۳۹۱) از سوی دیگر، در روابط فرازنشویی از عوامل مهم در تحقق مشکلات اجتماعی به شمار می‌آید (قاسمی، ۱۳۹۶).

بدین ترتیب، توجه به حقوق جنسی زنان در سطوح مختلف از اهمیت زیادی برخوردار است؛ این اهمیت در نظام حقوقی اسلام که بر اساس مدل حق و تکلیف شکل گرفته و حقوق مختلف زنان را در قالب قوانین و احکام گوناگون خود به رسمیت شناخته، دوچندان است. حقوق جنسی زن و مسائل مربوط به آن در فقه امامیه مورد بحث قرار گرفته (طوسی، ۱۳۸۷ق: ۱۳/۶)، بر اساس آموزه‌های دینی، تأمین نیازهای جنسی زنان از مصادیق رعایت معروف (وَعَاثِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ) (نساء: ۱۹) به حساب آمده است (نظری توکلی، ۱۳۹۷). برای نویسندگان این پرسش مطرح است که آیا قاعده نفی عسر و حرج به عنوان سازوکاری فقهی برای استنباط حکم شرعی در صورت رویارویی مکلف با شرایط دشوار، از چنان قابلیت‌برخوردار است که بتواند در امور مربوط به مسائل جنسی زن و شوهر جاری شود و به واسطه آن، در صورتی که زن به واسطه ادامه زناشویی دچار عسر و حرج جنسی شود، با طرح دادخواست طلاق قضایی، متقاضی جدایی از همسر خود شود؟ پاسخ به این پرسش سبب می‌شود تا اختلال در روابط جنسی به عنوان علت طلاق از سوی زن طرح شود و مصداقی جدید برای عموم ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی به رسمیت شناخته شود.

مفهوم‌شناسی

۱-۲- نیاز جنسی: نیاز جنسی، نیازی زیستی است که فرد را به ایجاد رابطه جنسی علاقه‌مند می‌کند. بر اساس نظریه مازلو، نیاز جنسی، نیاز فیزیولوژیک نخستین و اساسی ارگانیسم است که بالاترین فشار را به فرد وارد می‌کند (مازلو، ۱۹۷۰) و با تکیه بر محرک‌های بیرونی و درونی، تمایل جنسی را تحریک می‌کند. دو رویکرد اصلی به نیاز جنسی وجود دارد. رویکرد بیولوژیک و زیست‌شناختی که تمایلات درونی افراد (غریزه) نیروی انگیزاننده آن به شمار می‌آیند. در رویکرد دوم، این نیاز در بستر روابط اجتماعی و فرهنگی ارزیابی می‌شود و عوامل بیرونی در شکل‌گیری و تأمین آن اهمیت پیدا می‌کند. تفاوت فیزیولوژیک زن و مرد، تجربه متفاوتی از میل جنسی و ارگاسم را به وجود می‌آورد. تحریک جنسی مردان در مقایسه با زنان سریع‌تر، آسان‌تر و با فراوانی بیشتری صورت می‌گیرد؛ ولی زنان پس از تحریک جنسی سطوح بالاتری از لذت را تجربه می‌کنند. نیاز جنسی در زنان، چرخه‌ای از نیازهای بیولوژیکی و روانی را شامل می‌شود که تمایل جنسی یکپارچه را ایجاد و حس عزت نفس آن‌ها را تقویت می‌کند (نیکولس، ۲۰۱۹). میل جنسی در زنان، وابسته به موقعیت روحی و عاطفی است. بر اساس نظریه کاپلان، مراحل نیاز جنسی شامل میل جنسی، انگیزش، ارگاسم و فرونشینی است که به صورت متفاوت در زن و مرد آشکار می‌شود (کاپلان و سادوک، ۲۷۷).

۲-۲- حق جنسی: حق بهره‌وری جنسی، از جمله حقوق طبیعی هر انسانی است که سبب تأمین نیازهای جنسی وی می‌شود. این حق در نظام خانواده، حقی دوسویه است، یعنی در مقابل حق بهره‌وری جنسی از طرف مقابل، تکلیف به برآورده کردن نیازهای او نیز وجود دارد. روشن به نظر می‌رسد که برای بهره‌مندی از این حق، عمل به تکلیف مقابل آن، وجوب شرعی دارد (احمدیه، ۱۳۹۷). مهم‌ترین دلیل بر توازن میان حقوق و تکالیف جنسی زوجین، قاعده لزوم معاشرت به معروف برآمده از آیات قرآنی، هم‌چون «و لهن

مِثْلَ الَّذِي عَلَيْهِنَّ» (بقره: ۲۲۸) و «و عاشر و هُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) است (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۳۳۲؛ قریشی، ۱۳۸۶: ۱/۵). بر این اساس، داشتن روابط جنسی متعارف از لوازم زندگی زناشویی بوده، امتناع از انجام آن، خلاف وظیفه شرعی است (صفایی، ۱۳۹۲). این رابطه باید به گونه‌ای باشد که هر یک از زن و شوهر از انجام آن لذت ببرند (طوسی، ۱۳۸۷ق).

۲-۳- عسر و حرج: «عسر» به معنای ضیق و تنگی (راغب اصفهانی، ۱۳۸۱ق: ۳۳۴/۱)، ضد آسانی، تنگنا، سختی و شدت به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۸۸). «حرج» نیز متعارف با عسر و به معنای ضیق (طریحی، ۱۴۱۶ق: ۳۰۵/۱) آورده شده و در اصطلاح به هر عملی گفته می‌شود که انسان را در تنگنا قرار داده، انجامش دشوار و سخت باشد (محقق داماد، ۱۳۸۵). عسر و حرج به معنای سختی و مشقت، رافع تکالیف شرعی است؛ برخی فقها میزان را «حرج فاحش» قرار داده (شهید ثانی، ۱۴۲۵: ۱۱۱/۹)؛ گروهی نیز مشقت شدید (اضیق الضیق) را که تحمل آن در بیشتر موارد سخت است، ملاک رفع حکم دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۲۰: ۱۱۴/۵)؛ اما برخی فقهای معاصر، ملاک را مطلق ضیق قرار داده و هیچ قیدی برای آن در نظر نگرفته‌اند (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۴ش: ۲۰۷/۲). با توجه به عرفی بودن مفهوم عسر و حرج، هر آنچه در نظر عرف، انجام آن موجب در تنگنا قرار گرفتن مکلف باشد، قاعده نفی حرج آن را رفع می‌کند، هرچند این حرج بسته به افراد متفاوت است، ولی افراد در شرایط مشابه، دچار حرج خواهند شد (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۱/۲۹۶؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۷: ۱/۱۹۰).

۲-۴- حرج جنسی: از آنجا که تأمین نیاز جنسی در چارچوب خانواده، از حقوق و تکالیف جنسی متقابل زن و شوهر است، عدم امکان ارضای جنسی زن توسط شوهرش اگر به واسطه عیوب جسمی مرد (عنن) باشد؛ برای زن حق فسخ قرارداد ازدواج را ایجاد می‌کند (ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی). اما اگر شوهر به دلیل برخی اختلالات جسمی یا روانی (هم‌چون سردمزاجی، انزال زودرس، اختلال در نعوظ، تقاضای آمیزش نامتعارف، خشونت جنسی، بدکارکردی جنسی) نتواند نیاز جنسی همسرش را تأمین کند و زن به این دلیل، دچار سختی و مشقت شود، می‌تواند برای الزام شوهر به درمان یا طلاق به حاکم رجوع کند (بستان، ۱۳۸۸). بدین ترتیب، حرج جنسی زنان به دو صورت به وجود می‌آید: ۱. عدم آمیزش جنسی یا آمیزش جنسی ناقص و بدون ارگاسم. در این صورت، همسر به واسطه مشکلات جسمی (اختلال نعوظ و انزال، خودارضایی) یا مشکلات روانی (بی‌میلی دائمی) قادر به تحریک جنسی و ارگاسم زن نیست (محمد صادق، ۱۳۹۷). ۲. انجام آمیزش همراه با خشونت یا اصرار بر آمیزش غیرمتعارف (گودرزی، ۱۳۹۵)؛ چراکه رابطه جنسی مطلوب و کامل برای زنان، ترکیبی از تأمین هم‌زمان نیازهای جسمی و عاطفی است و رفتارهای همراه با خشونت یا غیرمتعارف، افزون بر آسیب جسمی و روانی، به واسطه عدم تحقق ارگاسم، زن را از نظر جنسی در شرایط دشوار قرار می‌دهد.

۲-۵- طلاق قضایی: با عنایت به مفاد ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی شوهر می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در قانون به دادگاه مراجعه و تقاضای طلاق همسرش را ارائه کند. در موارد خاصی، قانون‌گذار درخواست طلاق از سوی زن را می‌پذیرد و شوهر به دادگاه احضار و در صورت امتناع از حل مشکل، مستند به اصل فقهی «الْحَاكِمُ وَلِيُّ الْمُتَمَتِّعِ» (طباطبایی، ۱۴۱۹؛ خونی، ۱۴۱۰) اقدام به طلاق زوجه می‌کند که از آن به طلاق

قضایی یاد می‌شود. یکی از مستندات مشروعیت طلاق قضایی آیه ۲۲۹ سوره بقره است که زوج را به رعایت معروف و ادای تمام حقوق شرعی زوجه، هم‌چون تأمین هزینه زندگی (نفقه)، هم‌بستری، حسن رفتار یا پذیرش طلاق ملزم می‌کند. امتناع زوج از انتخاب هر یک از این دو سبب مداخله قاضی در راستای احقاق حق زوجه می‌شود (حلی، ۱۴۱۵). استنکاف یا عجز شوهر از پرداخت نفقه (مفید، ۱۴۱۰:۴۳؛ ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی)، غیبت زوج به مدت چهار سال (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹:۷۶؛ خویی، ۱۴۱۰:۳۰۱؛ ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی) و عسر و حرج زوجه (ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی) از موارد درخواست طلاق قضایی است.

موضوع‌شناسی

بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه نارضایتی جنسی (گلین، ۲۰۱۳؛ گداسی، ۲۰۱۶؛ رضائی، ۱۳۹۶)، کژکاری، انحراف و خشونت جنسی را می‌توان از مصادیق اصلی عسر و حرج جنسی به شمار آورد.

۳-۱- کژکاری جنسی

کژکاری (اختلال) جنسی^۳ به معنای آشفتگی یا اختلال در میل جنسی، برانگیختگی یا اوج لذت جنسی و تخریب یک یا بیش از یک مرحله از چرخه‌های پاسخ جنسی گفته می‌شود (مالویا، ۲۰۱۶؛ مین هاس، ۲۰۱۳). کژکاری‌ها ریشه در مشکلات جسمی یا روانی زوج داشته، بیشتر غیرارادی است و مراحل ارگاسم را دچار مشکل می‌کند. چرخه جنسی شامل چهار مرحله برانگیختگی^۴، تحریک فرد و پلاتو^۵، ارگاسم^۶ و فرونشینی^۷ است (میشل، ۲۰۱۳). کژکاری جنسی زوج، نارضایتی عاطفی همراه با اختلال در چرخه ارگاسم زن را در پی داشته، گاه منجر به دردهای مبهم در بدن و واکنش‌های عصبی می‌شود (شایر، ۲۰۲۰).

۳-۱-۱- اختلال میل جنسی کم‌کار: در اختلال میل جنسی کم‌کار^۸ فرد به صورت غیرعادی، علاقه‌ای به فعالیت جنسی نداشته، تمایلی به تصور، جست‌وجو و برقراری رابطه جنسی در او دیده نمی‌شود. برخی مردان توانایی نعوظ دارند، اما به دلیل بیماری جسمی و روحی، سردمزاج بوده، تمایلی به برقراری رابطه ندارند. پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که بروز این نوع از اختلال در مردان، سبب شکایت و نارضایتی زنان بوده، می‌توان آن را عامل عسر و حرج دانست (بهرامی، ۱۳۹۹)؛ چراکه بنا به ادعای متیوز^۹، افزون بر برآورده‌نشدن نیاز جنسی زنان، دلزدگی زناشویی ایجاد کرده، عزت نفس آن‌ها را مخدوش می‌کند (متیوز، ۲۰۱۸).

۳-۱-۲- اختلال بی‌بازاری جنسی: در بی‌بازاری جنسی (گریز جنسی)^{۱۰} هرچند فرد می‌تواند به انجام رفتار جنسی علاقه‌مند باشد و از تصویرسازی جنسی لذت ببرد؛ اما از برقراری رابطه جنسی با همسر منزجر است و ممکن است گاهی دگرجنس‌گرا باشد (دیوید، ۲۰۱۸). انزجار جنسی یا بی‌بازاری و نفرت جنسی، به خودداری از برقراری رابطه با زن منجر شده و او را در عسر و حرج قرار می‌دهد و گاه الگوی تمایل و انگیزه زنان را در روابط جنسی و عاطفی تغییر می‌دهد.

۳-۱-۳- اختلال نعوظ: در اختلال نعوظ^{۱۱}، ناکامی محدود یا کامل و مکرر مرد در رسیدن به نعوظ مشاهده می‌شود (لوویس، ۲۰۱۰). این امر سبب نارضایتی جنسی زن (اصغری، ۱۳۹۱) و از دست رفتن کامل فرصت آمیزش برای او می‌شود.

۳-۱-۴- اختلال انزال زودرس: یکی از مهم‌ترین کژکاری‌های جنسی، زودانزالی مرد^{۱۲} است. در این حالت مردان قبل از ارضای همسر، دچار انزال شده، نمی‌توانند همسر خود را به ارگاسم برسانند (هلمزموادایس، ۲۰۱۰). انزال زودرس از شایع‌ترین شکایت‌های زنان است (اصغری، ۱۳۹۲؛ محمدصادق، ۱۳۹۷)، چراکه چرخه ارگاسم زن را با اختلال مواجه می‌کند و در مواردی به صدور رأی دادگاه به واسطه عسر و حرج وی منجر می‌شود (دادنامه شماره ۹۲۰۹۷۰۲۲۴۰۰۰۷۲۹ مورخ ۱۳۹۲/۵/۶).

۳-۲- انحراف جنسی: انحرافات جنسی^{۱۳} در زمره اختلالات ناهنجاری جنسی قرار می‌گیرند که فرد در مواجهه با برخی موقعیت‌ها، تصورات و تحلیل‌ها یا اشیاء، دچار برانگیختگی جنسی با منشاء نامتعارف می‌شود (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۰۰). برخی از مهم‌ترین مصادیق انحراف جنسی شامل موارد ذیل می‌شوند.

۳-۲-۱- خودارضایی: خودارضایی^{۱۴} (استمناء)، عبارت است از خروج منی بدون آمیزش جنسی (کاستلینی، ۱۵۶:۲۰۱۶). خودارضایی عوارض جسمی و روانی زیادی از جمله اضطراب، افسردگی، انزال زودرس و احساس گناه برای فرد را به دنبال دارد (اولویولا، ۲۰۱۸: ۹۷) و می‌تواند زن را در شرایط حرج قرار دهد، زیرا سبب کاهش تمایل یا ناتوانی مرد در برقراری رابطه جنسی با همسرش می‌شود (بهرامی، ۱۳۹۹: ۷۶). در برخی موارد، خودارضایی مرد به صدور رأی طلاق به علت عسر و حرج زن منجر می‌شود (بازگیر، ۱۳۷۸: ۱۶۶).

۳-۲-۲- اعتیاد به هرزه‌نگاری: هرزه‌نگاری (پورنوگرافی)^{۱۵}، تصویر و نمایش بی‌پرده از رفتارهای جنسی است که با هدف تحریک و ارضای جنسی در قالب‌های مختلف عکس، فیلم، کتاب و... انجام می‌شود. در فیلم‌های پورنو تمرکز بر اندام جنسی افراد بوده و آمیزش جنسی، خودارضایی و گرایش‌های جنسی با هدف تحریک جنسی بیننده به روشنی نمایش داده می‌شود (ترنت، ۲۰۱۶). با گسترش بستر ارتباطی در فضای مجازی، گفت‌وگوهای جنسی^{۱۶} و چت تصویری^{۱۷} نیز در ارضای تمایلات ناهنجار جنسی رواج پیدا کرده، می‌تواند به ناراضی‌تی زن و حرج وی منجر شود (رضایی، ۱۳۹۶: ۴۸). چراکه اعتیاد به تماشای فیلم‌های پورنو و تقاضای کارهای مشابه آن از همسر، گاه همراه با مقایسه، تحقیر، خشونت و اعمال زور است و زن را از نظر روانی و جسمی در شرایط دشوار قرار می‌دهد (گودرزی، ۱۳۹۵: ۷۷).

۳-۲-۳- یادگارخواهی (فیتیشیسم): در این نوع از انحراف، فرد برای برانگیختگی جنسی بر اعضای غیرتناسلی توجه ویژه دارد یا از اشیاء غیرزنده استفاده می‌کند و این حالت حداقل شش ماه تداوم دارد (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). فرد دارای فیتیش، با نگاه کردن به شیء مورد علاقه یا قسمت مورد علاقه از بدن خود، دست به خودارضایی زده و تحریک جنسی خود را از آن می‌جوید. در واقع در فیتیشیسم، بدون حضور شیء مورد علاقه، قادر به برانگیختگی جنسی نیست و در روابط جنسی به جای تمرکز بر نواحی جنسی، به شکل بیمارگونه و غیرعادی به نواحی غیرجنسی توجه می‌کند؛ این توجه می‌تواند به صورت دیداری، بوییدن، لمس کردن و لیسیدن باشد (کاپلان و سادوک، ۲۹۰، ۱۳۹۸). در این نوع از انحراف، زن علاوه بر محرومیت از رابطه طبیعی و رسیدن به ارگاسم، ممکن است به واسطه اجبار به انجام اعمال غیرطبیعی (هم‌چون اصرار به پوشیدن پوشک یا کفش توسط همسر در هنگام رابطه جنسی، اجبار به بوییدن اشیای خاص و...) در معرض حرج قرار گیرد.

۳-۳-۳- خشونت جنسی: منظور از «خشونت جنسی»^{۱۸} هر عمل جنسی، تجارت جنسی و تلاش برای برقراری رابطه جنسی است که بر خلاف تمایلات جنسی فرد با توسل به زور (اجبار) انجام می‌شود. (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۲: ۱۴۹). در بررسی مسأله خشونت جنسی، جداسازی آن از حق مشروع بهره‌وری جنسی (تمکین) برای زوج ضروری است. دیگرآزاری^{۱۹}، اصرار به برقراری رابطه مقعدی^{۲۰}، اجبار در برقراری رابطه در دوران قاعدگی و جنون مقاربت^{۲۱}، خشونت در حین رابطه جنسی و فقدان پیش‌نوازش و آماده‌سازی روانی و جسمی زنان پیش از رابطه را می‌توان از مصادیق آزار جنسی دانست.

۳-۳-۳-۱- دیگرآزاری: آزارگری یا آزارخواهی حالتی از تحقیر و بی‌احترامی به افراد و آزار آنان برای ارضای روانی و لذت‌جویی در رابطه زناشویی است. ممکن است سادیسم همراه با مازوخیسم و خودآزاری نیز همراه باشد که در این حالت، فرد افزون بر لذت‌بردن از آزار دیگری، از شکنجه خود نیز در هنگام رابطه جنسی، لذت می‌برد. خشونت جنسی در رابطه زناشویی از جمله مهم‌ترین شکایات زنان است (بگرضایی، ۱۳۹۶؛ رضایی، ۱۳۹۶) و وی را در شرایط دشواری قرار می‌دهد، زیرا شوهر مبتلا به سادیسم، با انجام اعمال بدنی خشن و نامتعارف برای ارضای میل جنسی خود، همسرش را در چرخه رابطه جنسی، مورد آزار و شکنجه قرار می‌دهد.

۳-۳-۳-۲- تمایل به رابطه مقعدی: درخواست آمیزش مقعدی، از جمله مهم‌ترین موارد اعلام نارضایتی جنسی زنان و از مصادیق عسر و حرج به حساب می‌آید (رضایی، ۱۳۹۶؛ بهرامی، ۱۳۹۹)؛ زیرا این‌گونه آمیزش، افزون بر آسیب‌های روانی و عدم کامیابی جنسی زن، سبب انتقال بیماری‌های مقاربتی، پارگی راست‌روده، از بین رفتن مخاط مقعد، ضعف ماهیچه مقعد و بی‌اختیاری مدفوع می‌شود (میرکمالی، ۱۳۹۶). انجام آمیزش مقعدی بر اساس فتوای مشهور فقهای امامیه کراهت شدید داشته، احتیاط بر ترک آن است (خمینی، ۱۳۸۴: ۴۳۱/۳؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۳۳۸؛ نجفی، ۱۴۲۰: ۱۰۳/۲۹)؛ برخی فقها نیز انجام این عمل را حرام می‌دانند (شیرازی، ۱۴۰۹: ۳۱۵/۶۲).

۳-۳-۳-۳- بیش‌فعالی جنسی: در بیش‌فعالی جنسی^{۲۲} که گاه از آن با عنوان جنون مقاربت^{۲۳} نیز یاد می‌شود، مرد فعالیت شدید و بیش از اندازه جنسی و تمایل طولانی‌مدت داشته و همه امور زندگی شخصی خود را بر آن متمرکز می‌کند (مومن، ۱۳۹۲). تداوم رابطه جنسی طولانی و در بازه زمان کوتاه و بدون خواست زن، تمایل به رابطه چندین بار در روز بدون تمایل زوجه و توجه بیش از اندازه به امور جنسی در ابعاد مختلف زندگی زناشویی نیز عسر و حرج به حساب می‌آید (رضایی، ۱۳۹۶؛ محمد صادق، ۱۳۹۴). پذیرش چنین رفتارهایی مصداق تمکین نیست، زیرا وجوب تمکین ناظر به حد متعارف بوده (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۹۱/۲؛ صفایی، ۱۳۹۲)؛ در غیر این صورت، مصداق سوء‌معاشرت است (نوبهار، ۱۳۹۷).

۴- زیرساخت‌های فقهی

قانون‌گذار حق بهره‌وری جنسی را برای زنان به رسمیت شناخته، در صورت برآورده‌نشدن، برای حل آن، سازوکار خاصی در نظر گرفته است. موارد زیر از جمله حقوق جنسی زن است:

۴-۱- **حق هم‌خوابگی:** «حق قسم» در اصطلاح فقها عبارت است از قسمت‌کردن ایام هفته برای به سر بردن شب در کنار هر یک از همسران خود (نجفی، ۱۴۲۰: ۱۴۶/۳۱). از آنجا که مرد مجاز به داشتن بیش از چهار همسر دائم نیست، هر زن، چهار شب یک بار حق هم‌خوابگی (طباطبایی، ۱۴۱۸: ۱۴۹/۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱: ۴۷۲)؛ یعنی در یک بستر خوابیدن با شوهر خود را دارد (حلی، ۱۴۱۳: ۹۳/۳؛ شهید ثانی، ۱۴۲۵: ۹/۸)، یعنی شوهر نزدیک زن و چهره به چهره او در مقداری از شب بخوابد تا جایی که معاشرت به معروف صدق کند (نجفی، ۱۴۲۰: ۱۶۱/۳۱). هدف قانون‌گذار از این حکم و جوبی، تأمین نیاز به محبت و آرامش و امنیت زن است؛ به همین دلیل، این حق در تک‌همسری نیز وجود دارد (طرابلسی، ۱۴۰۶: ۲۲۷/۲؛ حلی، ۱۴۱۱: ۱۴۲).

۴-۲- **حق تحریک:** توجه به نیازهای روانی زن در زمان نزدیکی، سبب آرامش وی و رسیدن او به اوج لذت می‌شود. معاشره در مرحله انگیزش و تحریک جنسی یکدیگر از مقدمات مهم این ارتباط است (نوری، ۱۴۰۸: ۲۲۱/۱۴). نهی از آمیزش سریع و بدون درنگ، پرهیز از آمیزش پیش از ملاعبه و آماده‌سازی (حراعملی، ۱۴۰۹: ۱۱۸/۱۴) همگی دلالت بر توجه به ساختار روانی و جسمی زن در مسأله آمیزش جنسی دارد.

۴-۳- **حق آمیزش:** حق زوجه برای داشتن آمیزش جنسی دست‌کم در هر چهار ماه یک بار توسط شوهر را «مواقعه» می‌گویند. هرچند از نظر مشهور فقهای امامیه، ارضای جنسی زوجه پیش از چهار ماه واجب نیست (نجفی، ۱۴۲۰: ۱۱۵/۲۹؛ خمینی، ۱۳۸۴: ۲۴۲/۲؛ شهیدثانی، ۱۴۲۵: ۶۶/۷)؛ اما تأمین‌نکردن نیازهای جنسی زن از یک سو، مخالف با عدالت است و از سوی دیگر، سبب حفظ زن از ارتکاب گناه می‌شود. از این رو، تأمین نیاز جنسی زن بر شوهر واجب است و نظریه مشهور در وجوب آمیزش در هر چهار ماه، مشروط به عدم درخواست زن قبل از این مدت است (نظری توکلی، ۱۳۹۷).

۴-۴- **حق عدم عزل:** «عزل» به معنای تخلیه اسپرم بیرون از اندام تناسلی زن (خویی، ۱۴۱۸: ۱۱۲/۳۲)؛ در صورتی که بدون رضایت وی انجام شود، از نظر برخی فقها حرام (طوسی، ۳۸۹/۱۴۱۷: ۴)؛ از نظر گروهی هرچند جایز (خویی، ۱۴۱۸: ۱۱۴/۳۲)، ولی مکروه است (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۵۶/۲). صرف‌نظر از جایگاه عزل به عنوان روشی برای پیشگیری از بارداری (آمیزش منقطع)^{۲۴}؛ توجه شارع به حق عزل، نشان از اهمیت شارع بر حق جنسی زن در کامیابی حداکثری دارد، زیرا تخلیه اسپرم در اندام تناسلی به هنگام آمیزش، سبب افزایش لذت جنسی زن می‌شود (نجفی، ۱۴۲۰: ۲۹/۱۱۱؛ ابن قدامه، بی‌تا، ۱۳۲: ۸؛ حلی، ۱۴۱۵: ۲/۵۷۶). مطالعات علمی نیز نشان می‌دهد که میان عزل و رضایت جنسی رابطه معناداری وجود دارد. استفاده از این روش بر کاهش رضایت جنسی زن اثر گذاشته، در بلندمدت، سبب عدم تحریک عصبی و در نتیجه، دردهای غیرعضوی زیر شکم و کمر می‌شود (کارتر، ۲۰۱۲؛ گراسیا، ۲۰۱۰).

۵- عسر و حرج در کژکاری جنسی

در استناد به قاعده نفی حرج برای درخواست طلاق قضایی به هنگام کژکاری جنسی شوهر، دست‌کم به دو دیدگاه فقهی می‌توان اشاره کرد:

۵-۱- عدم شمول‌پذیری قاعده نفی حرج نسبت به حرج جنسی: بر اساس این دیدگاه، «حرج

جنسی» از مصادیق حرج که موضوع قاعده نفی حرج است، به حساب نمی‌آید و در نتیجه تحقق آن سبب رفع حکم تکلیفی یا حکم وضعی نخواهد شد؛ زیرا آسیب ایجادشده در حرج جنسی، بیشتر آسیب روحی و غیرجسمی است و قاعده لاحرج تنها در جایی جاری است که انجام تکلیف شرعی، مکلف را از نظر جسمی (جوارحی) در تنگنا قرار دهد؛ هرچند آسیب‌های روانی وارد بر اشخاص توسط دیگران می‌توانند موضوع اعمال قاعده لاضرر باشند (خوانساری، ۱۳۷۳).

نقد و بررسی: اطلاق ادله اعتبار قاعده لاحرج، سبب شمول‌پذیری آن نسبت به گونه‌های مختلف حرج

جسمی و غیرجسمی می‌شود (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۶۴؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۷: ۱۶۴؛ نراقی، ۱۴۱۷: ۱۷۳). جریان قاعده لاحرج در حل تعارضات زوجین در مواردی هم‌چون: ترک انفاق، غیبت شوهر و نشوز زوج حکایت از عدم انحصار قاعده لاحرج در امور جسمی دارد (نجفی، ۱۴۲۰: ۳۱/۲۰۷؛ شهید ثانی، ۱۴۲۵: ۴۲۹/۵). استفاده از دوگانه «عسر» و «حرج» در عنوان قاعده، یعنی قاعده نفی عسر و حرج می‌تواند اثبات‌کننده عمومیت این قاعده باشد؛ زیرا کاربست واژه «عسر» در امور جسمی و کاربست واژه «حرج» در امور روانی است؛ در نتیجه، «نفی عسر و حرج» ناظر به نفی احکام تکلیفی و وضعی مرتبط با این دو بعد است (مصطفوی، ۱۳۰۱: ۹۳). افزون بر این، قرار گرفتن در تنگناهای روانی همیشه مستلزم آسیب نبوده، از شمول قاعده لاضرر بیرون هستند.

۵-۲- شمول‌پذیری قاعده نفی حرج نسبت به حرج جنسی: هرچند اصطلاح «حرج جنسی»، در

متون فقهی به کار نرفته است؛ اما می‌توان آن را یکی از مصادیق حرجی برشمرد که قاعده نفی حرج وجود آن را علت رفع حکم به حساب آورده است؛ زیرا مهم‌ترین مستند حجیت قاعده لاحرج، آیه «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (حج: ۷۸) است که اطلاق آن شامل نفی هر حکم حرجی واجب و حرام ناظر به امور جسمی و روانی می‌شود. کاربست‌های واژه «حرج» در قرآن کریم نیز گواه موسوع بودن معنای آن است (انعام: ۱۲۵؛ اعراف: ۲؛ احزاب: ۳۷). هم‌چنان که به نظر برخی فقها، عمومات قرآن و روایات هم حکایت از پذیرش حرج جسمی و غیرجسمی دارد (نراقی، ۱۴۱۷: ۱۰۰؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱: ۳/۹۸).

برای مثال، برخی فقها در تبیین حق آمیزش در شرایط خاص (شدت تمایل به آمیزش جنسی، جوان بودن و...) و با استناد به قاعده نفی حرج، بر این باورند که پیش از چهار ماه، زن با ترک آمیزش دچار عسر و حرج شده و در معرض ارتکاب گناه قرار می‌گیرد، مرد مکلف به ارضای همسر خود یا طلاق دادن اوست (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۳۹۷؛ مرعشی نجفی، ۱۴۰۶: ۲۰۸/۲؛ خوبی، ۱۴۱۸: ۱۲۲/۲۳). از نظر برخی در این فرض «در معرض ارتکاب گناه بودن» هم شرط نبوده و تنها عسر و حرج جنسی زن برای وجوب ارضای او کافی است (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۵/۱۴۸۳).

افزون بر این، اگر مفاد قاعده نفی حرج را همسان با مفاد قاعده نفی ضرر بدانیم (نائینی، ۱۴۱۸: ۳/۳۶۳؛ مصطفوی، ۱۳۰۷: ۹۴). و در قاعده نفی ضرر بر این باور باشیم که مفاد آن حرمت ایراد ضرر بر خود یا دیگری است (نهی تشریحی) (خمینی، بی‌تا: ۲/۱۱۲)؛ در این صورت در تنگنا قرار دادن دیگران، هم‌چون آسیب‌رساندن به آن‌ها حرام خواهد بود. در چنین فرضی، چون «حرج جنسی» در فهم عرفی، یکی از مصادیق

حرج است، اگر کژکاری جنسی ناشی از سوءرفتار ارادی زوج یا عدم اقدام به درمان خود باشد، این عمل حرام خواهد بود، اما این حرمت تکلیفی نمی‌تواند مجوز درخواست طلاق قضایی باشد؛ زیرا با توجه به تشریفات طلاق قضایی، این درخواست زمانی موجه است که امکان الزام زوج به تأمین نیازهای متعارف جنسی زوجه یا الزام وی به انجام طلاق ممکن نباشد. در صورتی که زوج نه به وظایف زناشویی خود عمل کند و نه حاضر باشد همسرش را طلاق دهد، چنین رفتاری مصداق سوءرفتار بوده، زوجه می‌تواند برای رفع حرج خود، متقاضی طلاق قضایی باشد.

۶- عسر و حرج جنسی و طلاق قضایی

ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی به صراحت مسأله حرج را در امور خانواده مطرح می‌کند. بر اساس این ماده اگر ادامه زناشویی موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند. پس از اثبات این عسر و حرج، دادگاه زوج را مجبور به طلاق می‌کند و اگر ممکن نشد، زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود. عسر و حرج موضوع این ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی برای زوجه با مشقت همراه بوده و تحمل آن مشکل است. مصادیق عسر و حرج در این ماده، تمثیلی و غیرحصری بوده و مانع از آن نیست که دادگاه در سایر مواردی که عسر و حرج زن احراز شود، مانند سختی و مشقت زن به واسطه عدم تأمین نیازهای جنسی‌اش، حکم طلاق صادر کند (ذیل ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی؛ کاتوزیان، ۱۳۸۲). با این وجود، فقدان شاخص‌های عینی در حدود تمکین زن، دشواری اقامه دلیل برای اثبات حرج توسط زن در امور جنسی، شرایط روانی زنان و حیا در اعلام نیاز جنسی خود، احراز آن را دشوار می‌کند.

به هر حال، تصریح ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی به تکلیف زوجین به حسن معاشرت با یکدیگر، تأمین خواست جنسی را نیز دربر می‌گیرد؛ هم‌چنان که بر اساس ماده ۱۱۱۵، بیم از ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن در صورت حضور در مسکن مشترک، دربرگیرنده خشونت جنسی نیز می‌شود.

رویه قضایی موجود، با عنایت به پیچیده‌بودن دادرسی دعاوی خانواده از سویی و دشواری رسیدگی به درخواست‌های با محوریت روابط جنسی زوجین از سوی دیگر، با چالش‌های زیادی روبه‌رو بوده است. گاه نظر پزشکی قانونی نسبت به تحقق حرج، به واسطه عدم قطعیت نظر کارشناس، برای محاکم قانع‌کننده نبوده و به رد دعوی زن منجر می‌شود (دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۰۲۱۶۳۰۱۱۲۰، مورخ ۱۳۸۹/۹/۱۳). با این وجود، ناتوانی جنسی زوج که به باکره‌ماندن زوجه در طول سال‌های زندگی مشترک منجر شده، از نمونه آرای قضایی در مسأله عسر و حرج جنسی است (دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۲۰۲۱۴۵، مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۶).

داده‌خواست زن مبنی بر ضعف شوهرش در رابطه جنسی در دادگاه بدوی به واسطه نظریه پزشکی قانونی در نبود اختلال عضوی یا ناتوانی جنسی در زوج رد شده است؛ اما در مرحله تجدیدنظر، چون بنا به نظر پزشکی قانونی شواهدی از زودانزالی در زوج مشاهده شده و بخشش مهریه از سوی زن برای گرفتن طلاق، بیانگر استیصال وی است، ضعف جنسی شوهر از مصادیق عسر و حرج شمرده شده، ضمن نقض رأی بدوی، حکم طلاق قضایی صادر شده است (دادنامه شماره ۹۲۰۹۷۰۲۲۴۰۰۰۷۲۹، مورخ ۱۳۹۲/۵/۶). در برخی موارد با وجود احراز عسر و حرج زن، حکم دادگاه بدوی و تجدیدنظر به طلاق خلع بوده که به شکایت فرجام‌خواهی

توسط زوجه منجر شده و دیوان عالی کشور با عنایت به باکره‌بودن زوجه پس از هفت سال، عسر و حرج را محرز دانسته است، ولی هم‌چنان طلاق خلع را لازم می‌داند (زوجه که مدعی عسر و حرج است، باید همه مهریه‌اش را در قبال طلاق یا قسمت عمده آن را بذل کند تا اولاً قرینه باشد بر صحت ادعای عسر و حرج که معمولاً زن‌هایی که خود را در عسر و حرج می‌بینند، می‌گویند مهرم حلال و جانم آزاد، ثانیاً مستلزم عسر و حرج زوج نباشد) (دادنامه شماره ۴۰۳۷۱:۱۴۲۵، ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۹۹۰۰۳۲۰، ۱۳۹۲/۹/۵). روشن به نظر می‌رسد که محرز بودن عسر و حرج زوجه (باکرگی پس از هفت سال) برای دادگاه با حکم به بذل مهریه توسط زوجه ناسازگار است.

به هر صورت، بررسی رویه قضات در موارد حرج نشان می‌دهد که غیرحصری بودن موارد عسر و حرج، هرچند می‌توانست زمینه‌ای برای احقاق حقوق زنان باشد، اما خود سبب صدور آرای متفاوت و متناقض شده است. نبود ملاک در تشخیص حدود تمکین زوجه، تأمین حقوق زنان را به ویژه در امور مربوط به نیازهای جنسی‌شان با چالش جدی روبه‌رو کرده است. زوجه در صورت اعلام عسر و حرج در دادگاه، به واسطه اطلاق قاعده «لبینه علی المدعی» (نجفی، ۴۰/۳۷۱:۱۴۲۵) مکلف به اقامه دلیل است و این امر در مسائل جنسی به واسطه شخصی بودن آن، بسیار دشوار خواهد بود. از این رو، بهره‌گیری از ظرفیت‌های کارشناسی مختلف در این باره به جای تحمیل اثبات ادعا بر زن، هم‌چنین استفاده از سازوکار طلاق قضایی برای رفع مشکل جنسی زنان در کانون خانواده ضروری به نظر می‌رسد؛ به خصوص که تعزیر زوج و الزام او به ادای تکالیف جنسی با توجه به ماهیت نیاز جنسی در عمل امکان‌پذیر نیست. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در نظریه خود، امکان‌پذیر نبودن الزام زوج به انجام وظایف خاص زناشویی را موجهی برای طرح دعوای طلاق به علت عسر و حرج دانسته است (۶۲/۵/۱: ۷/۱۸۸۱).

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد:

۱. سلامت یا اختلال در روابط جنسی زن و شوهر، بر عملکرد فردی و اجتماعی آنها اثرگذار بوده، در ایجاد یا فقدان حس کامیابی و نشاط آن‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند.
۲. حرج جنسی زنان در چهار وضعیت تحقق پیدا می‌کند: عدم آمیزش جنسی، آمیزش جنسی ناقص (بدون ارگاسم)، آمیزش جنسی همراه با خشونت و آمیزش جنسی غیرمتعارف که علت آن مشکلات جسمی مرد (اختلال نعوظ و انزال، خودارضایی و...) یا اختلالات روانی اوست.
۳. در نظام حقوقی اسلام، حق جنسی زنان در قالب قوانین و احکام گوناگون (هم‌چون حق هم‌خوابی، حق تحریک، حق آمیزش و حق عدم عزل) به رسمیت شناخته شده و تأمین نیازهای جنسی زنان از مصادیق «معاشرت به معروف» به حساب می‌آید.
۴. اطلاق ادله اعتبار قاعده لاجرح، کاربست‌های گوناگون فقهی این قاعده، هم‌چنین فهم عرفی از مفهوم حرج، بر شمول‌پذیری حرج نسبت به گونه‌های مختلف حرج جسمی و حرج روانی و از جمله حرج جنسی دلالت دارد. این شمول سبب می‌شود در فرض تحقق عنوان حرج جنسی، حکم شرعی ناظر به آن مسأله رفع شود.

۵. بی‌توجهی زوج به حقوق جنسی زوجه، مصداق سوءرفتار و نشوز زوج است و زوجه می‌تواند در صورت استنکاف زوج از ادای حقوق واجب جنسی وی و برای رفع حرج از خود، متقاضی طلاق قضایی از دادگاه صالح باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. Declaration on the Elimination of Violence against Women
2. World Health Organization
3. Male sexual Dysfunction
4. Arousal
5. Plateau
6. Orgasm
7. Resolution
8. Matthews
9. Sexual aversion disorder
10. Male erectile disorder
11. Early ejaculation disorder
12. Male sexual deviation
13. DSM-IV-TR
14. Pornography
15. Sex chat
16. Video chat
17. Sexual violence
18. Sadism
19. Anal relationship
20. Hpersexual
21. Sexual hyperactivity
22. Hypersexuality
23. Male masturbating
24. Coitus Interrptus

منابع

قرآن کریم

- ابن‌ادریس حلی، م. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: موسسه نشر اسلامی.
- ابن‌براج طرابلسی، ع. (۱۴۰۶ق). المَهْدَب، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن‌قدمه مقدسی، ع. (بی‌تا). الشرح الکبیر، قم: دار الکتاب العربی.
- ابن‌منظور، م. (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- احمدیه، م. (۱۳۹۷). الزام زوج به رعایت حق جنسی زوجه، مطالعات راهبردی زنان، ۸۰(۲۰)، ۳۳-۵۰.
- آزهری، م. (۱۴۲۱ق). تهذیب الفقه، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- اصغری، م. (۱۳۹۲). تبیین حقوقی - روان‌شناختی تأثیر اختلالات جنسی هریک از زوجین در انحلال نکاح، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس.
- بازگیر، ی. (۱۳۸۷). قانون مدنی در آینه آرای دیوانعالی کشور «حقوق خانواده»، تهران: فردوس.
- بگرضایی، پ. (۱۳۹۶). فراتحلیل مطالعات خشونت شوهران علیه زنان در ایران، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۱(۳۸)، ۷۱-۹۷.

- بهرامی، ل. و توسلی، ا. (۱۳۹۹). مطالعه کیفی تابوها در نارضایتی جنسی زنان متقاضی طلاق، پژوهشنامه زنان، ۳(۳۳)، ۳۵-۴۷. حرّعاملی، م. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- حلی، ح. (۱۴۱۱ق). تبصره المتعلمین فی احکام الدین، تهران: مؤسسه چاپ و نشر.
- حلی، ح. (۱۴۱۳ق). قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حلی، ح. (۱۴۱۵ق). بحوث الفقهیّه، لبنان: مؤسسه المنار.
- خمینی، ر. (۱۳۸۴). تحریر الوسیله، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- خوانساری نجفی، م. (۱۳۷۳). رساله فی قاعده نفی الضرر، تهران: المکتبه المحمديه.
- خوبی، ا. (۱۳۷۷). مبانی فی شرح العروه الوثقی: النکاح، قم: احیاء آثار امام خوئی.
- خوبی، ا. (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین، قم: مدینه العلم.
- خوبی، ا. (۱۴۱۸ق). موسوعه الامام الخوئی، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- راغب اصفهانی، ح. (۱۳۸۱ق). المفردات فی غریب القرآن، مصر: مکتبه و مطبعه مصطفی البالی الحلبي.
- رضایی، م و آبدار، ش. (۱۳۹۶). خشونت جنسی در خانواده یک پژوهش کیفی، پژوهش‌نامه زنان، ۱۱(۱۹)، ۳۵-۵۹.
- شاهین فرد، خ. و نظری توکلی، س. (۱۳۹۵). شمول پذیری قاعده لاجرح نسبت به حرج‌های غیرجسمانی و پیامدهای فقهی آن، فقه پزشکی، ۲۶ و ۲۷(۱)، ۲۲۵-۲۶۱.
- شبییری زنجانی، م. (۱۴۱۹ق). کتاب نکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رأی‌پرداز.
- شهید ثانی، ز. (۱۴۲۵ق). مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، قم: مؤسسه معارف الاسلامیه.
- شیرازی، م. (۱۴۰۹ق). الفقه، بیروت: دارالعلوم.
- صدوق، م. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
- صفایی، ح. و امامی، ا. (۱۳۹۲). مختصر حقوق خانواده، تهران: میزان.
- طباطبایی حائری، ع. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بدلائل، قم: مؤسسه آل البيت.
- طباطبایی یزدی، ع. (۱۴۱۹ق). العروه الوثقی، قم: حکیم الداوری.
- طباطبایی، م. (۱۳۷۶). میزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، م.ب، تهران: بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی.
- طریحی، ف. (۱۴۱۶ق). مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
- طوسی، م. (۱۳۸۷ق). مبسوط فی فقه الامامیه، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- طوسی، م. (۱۴۱۷ق). الخلاف فی الفقه، قم: مؤسسه نشراسلامی.
- فاضل لنگرانی، م. (۱۴۲۱ق). النکاح (تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله)، قم: مرکز فقهی ائمه الاطهار.
- فاضل لنگرانی، م. (۱۳۸۵). قاعده لاجرح، قم: مرکز فقهی ائمه الاطهار.
- قاسمی، ب. (۱۳۹۶). نقش عملکرد جنسی و تجربه شکست عاطفی در گرایش زوجین به روابط فرازناشویی، رویش روان شناسی، ۶(۱۸)، ۴۵-۶۱.
- قریشی، ع. (۱۳۸۶). قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کاپلان، ب. و آلکوت، س. (۱۳۹۸). خلاصه روان پزشکی، ترجمه رضاعی، ف.، تهران: ارجمند.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۲). دوره مقدماتی حقوق مدنی (خانواده)، تهران: میزان.
- کریمی، ا. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر آموزش بهداشت جنسی بر رضایت جنسی زوجین، زنان مامایی و نازایی، ۱۵(۴)، ۲۴۴-۲۵۱.
- کمایی، ف. و صدقاتی فرد، م. (۱۳۹۴). بررسی رابطه کزکاری جنسی در زنان متأهل با دلزدگی زناشویی آنها، تازه‌های روان-شناسی صنعتی/سازمانی، ۲۳(۱)، ۱۳-۲۰.
- گودرزی، ف. و موسوی بجنوردی، م. (۱۳۹۵). بررسی روان شناختی تجاوز جنسی زناشویی با نگاهی بر جنبه فقهی و حقوقی موضوع، پژوهش‌نامه زن، ۴(۷)، ۱-۲۷.

- محقق حّی، ج. (۱۴۰۸ق). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، چاپ دوم، قم: موسسه اسماعیلیان.
- محقق داماد، م. (۱۳۸۵). قواعد فقه بخش مدنی. تهران: سمت.
- محمدصادق، ع. (۱۳۹۷). تجربه مشکلات زندگی در زنان متقاضی طلاق و راضی از زندگی مشترک، تحقیقات کیفی در علوم سلامت، (۱)۷، ۳۵-۴۷.
- مرعشی نجفی، ش. (۱۴۰۶ق). منهاج المؤمنین. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- مصطفوی، م. (۱۴۱۷ق). مائه قاعده فقیهه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- معصومی، س. (۱۳۹۶). پیش‌بینی رضایت جنسی براساس الگوهای ارتباطی زوجین، مطالعات زن و خانواده، (۱)۵، ۷۹-۱۰۱.
- مُفید، م. (۱۴۲۰ق). المقنعه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۴۱۷ق). القواعد الفقیهه، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین(ع).
- مکارم شیرازی، ن. (۱۴۲۴ق). کتاب النکاح، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- موسوی بجنوردی، م. (۱۳۷۹). قواعد فقیهه. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- مؤمن، ر. (۱۳۹۲). جایگاه و محدوده حق جنسی زوجین، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- میرکمالی، ع. (۱۳۹۶). رابطه جنسی نامتعارف شوهر با زوجه از منظر فقه، حقوق و رویه قضایی، فقه پزشکی، ۳۲ و ۳۳ (۹)، ۸۷-۱۰۱.
- نجفی، م. (۱۴۲۰ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- نراقی، م. (۱۴۱۷ق). عوائد الآیام فی بیان قواعد الاحکام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- نظری توکلی، س. و، و کراچیان ثانی، ف. (۱۳۹۷). قلمرو حقوق همسر در روابط زناشویی از منظر فقه و حقوق، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، (۱)۱۹، ۳۵۹-۳۷۸.
- نکولعل تک، م. (۱۳۹۸). کامیابی و ناکامی در روابط جنسی، تبیین تجربه زنان ایران، تحقیقات کیفی در علوم سلامت، (۲)۸، ۱-۱۳.
- نوبهار، ر. و حسینی، ا. (۱۳۹۷). حدود روابط جنسی زن و شوهر در چارچوب قاعده معاشرت به معروف، فصلنامه خانواده پژوهی، (۱۴)۵۳، ۷۵-۹۴.
- نوری، م. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت.

- Ahmadih, M. (2018). The Couple's Obligation to Respect the Wife's Sexual Rights, *Women's Strategic Studies*, 80(20), 33-50 [in Persian].
- Asghari, M. (2013). Legal-Psychological Explanation of the Impact of Sexual Disorders of Each Couple on Divorce, M.Sc. Thesis in Women Studies, Tarbiat Modares University .
- Azhari, M. (2000). Tahdhib al-Fiqh, Beirut: Dar al-Ahya al-Tarath al-Arabi.
- Bahrami, L. (2018). Sociological Study of Sexual Taboos in Litigation by Wife, Master Thesis in Women Studies, Al-Zahra University.
- Bazgir, Y. (2008). Civil Law in the Mirror of the Supreme Court's "Family Rights", Tehran: Ferdows.
- Bagarzaei, P. (2017). Meta-analysis of studies of husbands' violence against women in Iran, *Cultural and Educational Quarterly of Women and Family*, 11(38), 71-97.
- Carter, M., Bergdall, A., Henry-Moss, D., Timajchya, K., & Hock-Longc, L. A. (2012). Qualitative Study of Contraceptive Understanding among Young Adults. *Contraception*; V86.
- Castellini, G. (2016). Psychological, Relational, and Biological Correlates of Ego-Dystonic Masturbation in a Clinical Setting, *Sexual Medicine*. 4(7), 53-71.
- Daniel, D. (2018). Evidence-Based Psychotherapy, The State of the Science and Practice, Willy Blackwell, 27(2), 234-321.

- Edouard, A. (2010). Guideline on Male Sexual Dysfunction Erectile Dysfunction Premature Ejaculation, *European urology*, 7(11), 3572-3588.
- Fazel Langrani, M. (2000). Al-Nikah (Detailed Sharia in the Explanation of Tahrir Al-Waseela), Qom: The Jurisprudential Center of the Imams.
- Fazel Langrani, M. (2006). The Rule of Laherj, Qom: Al-Imam Al-Athar Jurisprudential Center.
- Ghasemi, B. (2017). The Role of Sexual Performance and the Experience of Emotional Failure in Couples' Tendency to Ultrasonic Relationships, *Development of Psychology*, 6(18),45-61.
- Gadassi, R. (2016). Perseived Partner Responsivenss Mediates the Association Between Sexual and Marital Satisfacation, *Ses behavior*, 45(1), 109-120.
- Goodarzi, F., & Mousavi Bojnord, M. (2016). Psychological Study of Marital Rape with a View to the Jurisprudential and Legal Aspect of the Issue, *Women's Research Journal*, 4(1), 1-27.
- Gracia, C., Sammuel, M., Charlesworth, S., Barnhart, K., & Creinin, M. (2010). Sexual Function in First-Time Contraceptive Ring and Contraceptive Patch Users. *Fertil Steril*, 93(2), 8-21.
- Gynn, R. (2012). Determinants of Women's Sexual Dissatisfaction: Assessing a Cognitive-Emotional Model, *Sexual Medicine*, 11(1), 235-316.
- Helli, H. (2001). Commentary of the Learners on the Rules of Religion, Tehran: Publishing Institute.
- Hor'amli, A. D. (1999). Shiite Means to Study Sharia issues, Beirut: Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi.
- Helli, H. (1993). Research in Jurisprudence, Lebanon: Al-Manar Institute.
- Helli, H. (2004). Rules of Rulings in the Knowledge of Halal and Haram, Qom: Islamic Publications Office.
- Ibn Idris Helli, D. (1998). Al-Sarair Al-Hawi for Tahrir Al-Fatawi, Qom: Islamic Publishing Institute.
- Ibn Qodameh --Moghaddasi, AS (Bi Ta), Al-Sharh Al-Kabir, Qom: Dar Al-Kitab Al-Arabi.
- Ibn Boraj Trablosi, A. (1994). Al-Mahdhab, Qom: Islamic Publications Office.
- Ibn Manzur, M (2002). Arabic Language, Beirut: Dar Al-Hayya Al-Tarath Al-Arabi.
- Jodouin, J. F., Bergeron, S., & Janssen, E. (2018). The Mediating Role of Sexual Behavior in Event-Level Associations between Sexual Difficulties and Sexual, *Sexual Medicine*,43(1), 121-134.
- Karimi, A. (2012), Study of the Effect of Sexual Health Education on Couple Sexual Satisfaction, Midwifery and Infertility Women, 15(4),244-251[in Persian].
- Khoei, A. (1998). Principles in the Explanation of Al-Urwa Al-Wathqi: Marriage, Qom: Revival of Imam Khoi's Works.
- Khoii, A. (1990). Minhaj Al-Salehin, Qom: Medina Al-Alam.
- Komayi, F., & Sedaghati Fard, M. (2015). Study of the Relationship between Sexual Perversion in Married Women and their Marital Boredom, *New Industrial / Organizational Psychology*, 23(1), 23-42.
- Kaplan, B. & Alcott, S. (2019). Summary of Psychiatry, translated by Rezaei, F. Tehran: Arjmand.
- Katozian, N. (2003). Introductory Course in Civil Law (Family), Tehran: Mizan.
- Khansari Najafi, M. (1952). Treatise on the Rule of Negation of Harm, Tehran: Al-Muktabah Al-Mohammadiyye.
- Khoei, A. (1997). Encyclopedia of Imam al-Khoi, Qom: Institute for the Revival of the Works of Imam al-Khoi.

- Khomeini, R. (2005). Tahrir al-Waseela, Qom: Dar al-Alam Press Institute.
- Kiristin R Mithehell. (2013). How Domen and Women Define Sexual Arousal, *journal of sex & marital Therapy*, 10(2), 215-231.
- Lewis, M. D. & Ronold, W. (2010). Definition / Epidemiology Risk octors for Sexual Dysfunction, *Sexual medicine*. 2(12), 24-27.
- Makarem Shirazi, N. (1998). Al-Qawa'id Al-Faqih, Qom: School of Imam Amir al-Mo'menin (AS).
- Makarem Shirazi, N. (2003). Kitab al-Nikah, Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib School.
- Malviya, V. (2019). A Review of the Potential of Medicinal Plants in the Management and Treatment of Male Sexual Dysfunction, Wiley online libery.
- Margaret, N. (2019). The Relational and Bodily Exprienses Theory of Second Desire in Woment, *Sexual Behavior*, 11(2), 26-34.
- Mirkamali, A. (2017). Unusual Sexual Intercourse between Husband and Wife from the Perspective of Jurisprudence, Law and Judicial Procedure, *Medical Jurisprudence*, 32&33(1), 42-57.
- Mohaghegh Damad, M. (2006). Rules of Civil Jurisprudence, Tehran: Samat.
- Mohammad Sadegh, A. (2016). Experiencing the Problems of Life in Women Seeking Divorce and Satisfied with Living Together, *Qualitative Research in Health Sciences*, 7(1), 35-47.
- Mo'men, R. (2013). The Status and Scope of Couples' Sexual Rights, Tehran: Imam Sadegh University.
- Mostafavi, M. (1417 AH). Ma'eh Qudeh Faqih, Qom: Islamic Publications Office.
- Mousavi Bojnourdi, M. (2000). Rules of Jurisprudence, Tehran: Imam Khomeini Research Institute and the Islamic Revolution.
- Maslow, A., H. (1970). *Motivation and Personality*. New york: Harper and Row publisher.
- Masoumi, S. (2017). Predicting Sexual Satisfaction based on Couple Communication Patterns, *Women and Family Studies*, 5(1), 42-51.
- Matthews, S. (2018), The Battle against Bedroom Boredom: Development and Validation of a Brief Measure of Sexual Novelty in Relationships, *The Canadian journal of Human Sexuality*, 27(1), 34-46.
- Minhass, S. (2018). Male Sexual Dysfunction, London: Weley Blackwell.
- Mofid, M. (1420 AH). Al-Muqna'a, Qom: Islamic Publications Office.
- Mohaghegh Helli, A. (1988). Sharia al-Islam fi Masaal al-Hilal wa Haram, second edition, Qom: Ismailian Institute.
- Najafi, Sh. (1986). Minhaj Al-Mo'menin, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library.
- Naraghi, A. D. (1417 AH). Awaid Al-Ayam Fi Bayan Qawa'id Al-Ahkam, Qom: Islamic Propaganda Office.
- Nazari Tavakoli, S. & Karachian Thani, F. (2018). The Realm of Spouse's Rights in Marital Relations from the Perspective of Jurisprudence and Law, *Studies in Islamic jurisprudence and law*, 19(1), 357-368.
- Najafi, D. (1999). The Jewel of Theology in the Explanation of Islamic Laws, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Nekoul Ali Tak, M. (2017). Success and Failure in Sexual Relations, Explaining the Experience of Iranian Women, *Qualitative Research in Health Sciences*, 8(1), 27-52.
- Nobahar, R. & Hosseini, A. (1397), Limits of Sexual Relations between Husband and Wife in the Framework of the Rule of Socializing with the Famous, *Journal of Family Research*, 53(4), 75-94 [in Persian].
- Nouri, M. (1408 AH). Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il, Qom: Al-Bayt Institute.

- Olayiwola Aknabi, O. (2018). Etical Implication of Masturbation and Sexual Revolution Crisis among Nihgerian Youth. *Journal of Transformation*, 1 (2), 97-118.
- Qureshi, A. (2007). Quran Dictionary. Tehran: Islamic Library.
- Ragheb Isfahani, H. (1960). Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran, Egypt: Mustafa Al-Bali Al-Halabi School and Press.
- Rezaei, M. & Abdar, Sh. (2017). Sexual Violence in the Family of a Qualitative Research, *Women's Research Journal*, 1(19), 35-42.
- Rossi, A. S. (2013). A Biopsychosocial Approach to Human Sexuality and Reproduction.
- Safaei, H. & Emami, A. (2013). *Brief Family Law*, Tehran: Mizan.
- Shaerr, O. (2020). Female Orgasm and Overall Sexual Function and Habits: A Descriptive Study of a Cohort of US Women, *Sexual Medicine*, 1133-1143.
- Shahid Thani, Z. (2004). Masalak al-Afham al-Tanqih Sharia al-Islam, Qom: Islamic Education Institute.
- Shahin Fard, Kh., & Nazari Tavakoli, S. (2016). The Inclusion of the Rule of Lahraj in Relation to Non-Physical Embarrassments and its Jurisprudential Consequences, *Medical Jurisprudence*, 26&27(1), 225-261.
- Sheberi Zanjani, M. (1998). *The Book of Marriage*, Qom: Voting Research Institute.
- Shirazi, M. (1988). Al-Fiqh, Beirut: Dar Al-Uloom. Saduq, M. (1413 AH), I am in the presence of the jurist, Qom: Islamic Publishing Institute.
- Tabatabai Yazdi, A. (1998). Al-Urwa Al-Wathqi, Qom: Hakim Al-Dawari.
- Tabatabai, M. (1997). Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, translated by Mohammad Baqir Mousavi Hamedani, Tehran: Allameh Tabatabaei Scientific and Intellectual Foundation.
- Tusi, M. (1417 AH). Al-Khalaf Fi Al-Fiqh, Qom: Islamic Publishing Institute.
- Tabatabai Haeri, A. (1997). Riyadh Al-Masa'il Fi Tahqiq al-Ahkam Badla'il, Qom: Al-Bayt Institute.
- Tarant, sh. (2016). The Pornography Industry Whatever One Need's To know, Oxford: Oxford university Press.
- Toreihi, F. (1995). Bahrain Assembly, Tehran: Mortazavi.
- Tusi, M. (2008 AH). Extended in Imami Jurisprudence, Tehran: Al-Muktabah Al-Murtadawiyah Al-Lahiya Al-Athar Al-Jafaria.
- World Health Organization. Word report on violence and health (Geneva: word Health Organization 2002).